

معرفی کتاب

زنان در نقش قهرمانان داستان



«سه زن و یک داستان دیگر» عنوان مجموعه داستانی است از روبرت موزیل که با ترجمه علی عبدالله در نشر مرکز به چاپ رسیده است. روبرت موزیل از مهم ترین و شاخص ترین نویسندگان اتریشی و آلمانی زبان قرن بیستم است که در سال ۱۸۸۰ متولد شد و در ۱۹۴۲ درگذشت. در بین آثار موزیل، داستان های کوتاه، داستان واژه و طرح، جستارهای ادبی و رمان دیده می شود و برخی از آثار او جزء شاهکارهای ادبیات قرن بیستم هستند. مجموعه داستانی که عبداللهی به تازگی منتشر کرده، شامل چهار داستان معروف موزیل با این عناوین است: «گریجا»، «زن پرتغالی»، «تونکا» و «سوسه ورونیکای آرام»؛ که سه داستان اول بارها در آلمان و اتریش در کتابی با عنوان «سه زن» منتشر شده‌اند. مترجم «سه زن و یک داستان دیگر» در بخشی از یادداشتش درباره قصه‌های این مجموعه نوشته: «در هر چهار داستان، به نحوی زنان شخصیت اصلی هستند، از این رو در برگردان فارسی آن‌ها در یک کتاب، عنوان سه‌زن و یک داستان دیگر را برای این مجموعه برگزیدم. داستان‌های این کتاب کنایاتی است به اینکه اصولا عشق، قابل تحقق نیست و تعریف و تقلیل آن به هوس یا محدود کردنش به خاطرات و حدس و گمان‌های متناقض ذهنی، راه به جایی نمی‌برد. نویسنده به انگیزه‌های شکل‌گیری ماجرا و حواشی آن، به مراتب بیشتر از خود ماجرای داستان یا کنش داستانی علاقه‌مند است. او می‌کوشد هر چه بیشتر مسائل را معرفی کند و ژرفای آنها را بشکافد، چنان که گاهی همین خصلت، داستان گویی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

نگاهی نوبه زبان فارسی



«صفات وجهی در زبان فارسی» آن‌طور که از عنوانش هم برمی‌آید، عنوان پژوهشی است درباره صفات وجهی که توسط نگین ایلخانی‌پور انجام شده و نشر مرکز آن را به چاپ رسانده است. این پژوهش در چهار فصل با عناوین «وجهیت»، «صفات وجهی در زبان فارسی»، «صفات وجهی: نگرشی معنایی – نحوی» و «صفات وجهی: از نظریه تا کاربرد» تدوین شده است. در پیشگفتار کتاب درباره روش پژوهش این اثر آمده: «پژوهش حاضر پژوهشی بنیادی (توصیفی – تحلیلی – نظری) است که به روش کتابخانه‌ای صورت می‌پذیرد. نگارنده از سر کنجکاوی و برای یافتن روزه‌ای از نادانسته‌هایش به سوی دانش نظری تلاش می‌کند تا پس از معرفی نظر به‌های غالب در مطالعه وجهیت و بررسی و نقد پیشینه تحقیق در این پدیده زبانی، به توصیف و تحلیل صوری داده‌های آن زبان فارسی معیار، زبان رسمی ایران امروز، بپردازد که در مطالعات پیشین مغفول واقع شده‌اند. این داده‌ها جملات یا سازه‌هایی کوچک‌تر از جمله هستند که توسط نگارنده و براساس شمم زبانی وی تولید شده‌اند و قابل قبول بودن آن‌ها مورد تأیید چند اهل زبان دیگر قرار گرفته است. داده‌های این تحقیق کیفی به صورت هم‌زمانی بررسی می‌شوند و مراحل پیش‌وجهی صفات وجهی فارسی مورد بررسی نخواهند بود». هر فصل این کتاب با مقدمه‌ای شروع می‌شود که می‌کوشد زمینه بحث را فراهم کند و در پایان نیز خلاصه فصل آورده شده که در آن مطالب آن فصل در سطروری جمع‌بندی شده‌اند. فصل اول کتاب به تعریف و توضیح وجهیت به‌عنوان پدیده‌ای زبانی می‌پردازد و فصل دوم به نظام و وجهیت در زبان فارسی توجه دارد. فصل سوم به مطالعه بازنمایی وجهیت در صفات فارسی اختصاص یافته و در فصل آخر هم خلاصه‌ای از پژوهش به دست داده شده و ضمنا به کاربرد صفات وجهی در ترجمه‌شناسی و زبان‌شناسی رایانشی توجه شده است.

در دیدگاه بازار به عنوان اقتصاد غیر رسمی، موضوع اصلی این است که در جهان در حال توسعه، بخش‌های خودسامانده که خارج از حوزه نظارت دولت قرار دارند، منبع انرژی دست‌نخورده‌ای برای رشد اقتصادی هستند

نویسنده معتقد است در اکثر مطالعاتی که این دیدگاه را اساس خود قرار داده‌اند، چگونگی پدیدار شدن هویت طبقاتی بازار و بازسازی این هویت شرح داده نشده است.

محوریت دیدگاه بازار به عنوان اقتصاد غیر رسمی

در دیدگاه بازار به عنوان اقتصاد غیر رسمی، موضوع اصلی این است که در جهان در حال توسعه، بخش‌های خودسامانده که خارج از حوزه نظارت دولت قرار دارند، منبع انرژی دست‌نخورده‌ای برای رشد اقتصادی هستند

همچنین نویسنده معتقد است، رویکرد شبکه‌های غیر رسمی مثل دوگانگی مدرن و سنتی، تعاملات را به دو عرصه متمایز رسمی و غیررسمی محدود می‌کند اما بسیاری از موقعیت‌هایی که در مراکز اصلی تر و بزرگ‌تر تجاری نظیر بازار تهران رخ می‌دهند در حیطه محدوده این تحلیل جای نمی‌گیرند.

در دیدگاه بازار به عنوان محصول کمیابی اطلاعات نیز نویسنده معتقد است که الگوی رقابت خالص در زمینه وضعیت‌ها و کالاهایی که مانع از شناخت کامل کالاهانزد طرفین مبادله می‌شوند به شدت نارسا هستند. بنابراین باید نهادهایی شکل بگیرند که نقص بازار و نتایج ناآرایی ناشی از هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهند.

و پیامدهای سیاسی – اقتصادی بازار هستند. وی این تمایزات را از نزدیک با بررسی بازارهای فرش فروشان دست‌بافت، چای، چینی و بخش‌های شیشه و بلور نشان داده است و تفاوت در پیامدهای سیاسی – اجتماعی شبکه‌های فعال در مقابل غیر فعال و کالاهای استاندارد شده در مقابل غیر استاندارد را به تصویر کشیده است. تحلیل‌های نویسنده از تغییرات در این بخش‌ها، ماهیت متفاوت تعامل میان دولت، بازارهای کالاهای خاص و هنجارها و معاملات و ساختار حکمرانی را نشان داده است.

کشاورزان در کتاب خود از چهار جنبه کلی بازار را تعریف کرده است: ۱- به عنوان مفهومی سنتی ۲- به عنوان یک طبقه ۳- به عنوان شبکه غیر رسمی و ۴- به عنوان محصول کمیابی اطلاعات.

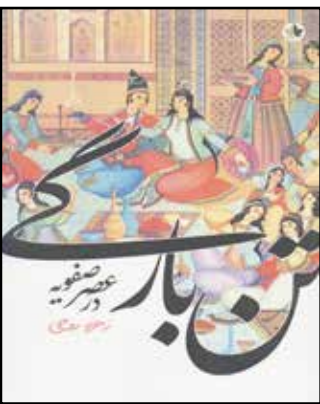
او تصویر بازار به عنوان مفهومی سنتی را به عنوان یک روش کلی زندگی که رسوم اقتصادی، حساسیت‌های سیاسی، روابط اجتماعی و عقاید ایدئولوژیک را در قالب «سنتی» در بر می‌گیرد، تعریف کرده است. وی این نوع برداشت از بازار را تحت تأثیر نظریه مدرنیزاسیون می‌داند.

در این دیدگاه بازار به عنوان یک طبقه نیز، بازار واحدی اقتصادی است و به این دلیل در امور سیاسی ایران نقش دارد.



تأییدی است بر این امر که «کانون روابط جنسی»، در جامعه پدرسالار آن ایام، فقط محدود به خانواده یا همسر گزینی‌های متعدد و چندین زوجه رسمی و غیر رسمی نبوده است؛ بلکه طیف وسیعی از موقعیت‌ها و وضعیت‌های غیر همسر گزینی (در همه اشکال آن) را رهما شامل می‌شده است؛ که در مباحث این کتاب به آنها پرداخته شده است. این مباحث، با توجه به مناسبات جنسی آن دوره در بستر شرایط اجتماعی و تاریخی خاصش، در هشت بخش بررسی و مطالعه شده‌اند.

مطالعات به دست آمده در این کتاب، این اصل مهم را پیش روی قرار می‌دهد که در عصر صفوی «لذت» به ویژه لذت‌های جنسی و تن کمانه جایگاهی مهم در زندگی روزمره مردان، به ویژه زندگی روزمره صاحبان قدرت داشته است؛ که بدین منظور به طور رسمی هم زنان و هم مردان جوان یا پسرهای تازه بالغ یا حتی کودکان را به



اشاره کرده و معتقد است که هیچ کدام تعریف روشن و دقیقی از بازار ارائه نداده‌اند.

فصل‌های کتاب

نویسنده در فصل اول کتاب، به بحث در مورد معمای بازار معمای بازار تهران در دوره‌های قبل و بعد از انقلاب، جایگاه بازار در رابطه جامعه و دولت، ویژگی‌های مدل تئوریکی نویسنده و شرح و تفصیل ماهیت تحول آفرین برنامه‌های دولت در زمینه بازار پرداخته است.

فصل دوم به مفهوم پردازی بازار، بررسی ادبیات نهاد بازار و ترویج مفاهیم مختلف بازار در چهار تصویر مختلف، یعنی بازار به عنوان یک طبقه، به عنوان اقتصاد غیر رسمی، به عنوان بازار سنتی و در نهایت به عنوان شکلی از فرهنگ توجه شده است. نویسنده در این فصل رویکرد خود به بازار را به عنوان یک شبکه حک شده در درون ساختار حکمرانی داخلی بازار معرفی کرده است.

در فصل سوم، پویایی‌های ساختار حکمرانی و روابط اجتماعی بازار از طریق تشریح ماهیت سلسله مراتبی بازار، شبکه‌ها، اعتبارات و روابط مشترک و تو در تو آنها مطالعه شده است.

در فصل چهارم تغییرات این ساختارها و روابط در طول دوره مدرنیزاسیون پهلوی و جمهوری اسلامی بررسی شده‌اند و در فصل پنجم نیز نسبت این شبکه‌ها و ارتباطات و ماهیت دگرگونی این دو دولت مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در فصل ششم، سیچ سیاسی در بازار و روابط بین بازار و روحانیون مورد بحث قرار گرفته و در فصل هفتم به خلاصه‌سازی کتاب و نتیجه‌گیری پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های کشاورزان در این کتاب، بازار نباید به عنوان نهادی یکپارچه یا ویژگی‌های ثابت در نظر گرفته شود. حالت‌های تعاملی مختلف، مجموعه‌های نهادی و کیفیت مبادله کالاهای دارا، پیامدهای جدی در ماهیت ارتباطات، شبکه‌ها



جای پول نقد استفاده از چک و سفته به‌طور گسترده‌ای رایج شده است و روابط بین روحانیون و بازار به‌طور چشمگیری تغییر کرده‌اند و در نتیجه بازار در شکل جدیدی از خودبستگی به‌سرمی‌برد.

مطالعه دیر هنگام بازار تهران

تلقی معمول از بازار، آن را هم پیمان سنتی نیروهای مذهبی تلقی می‌کند اما در نگرش کشاورزان، بازار نهادی مستقل و خودانگیخته است. نهادی که که برای درک آن هم باید تئوری‌های اقتصادی اخلاق‌گرا و هم تئوری‌های اقتصادی سودگرا را مدنظر قرار داد. کتاب کشاورزان اثری مهم درباره بازار تهران است که نسخه انگلیسی آن در سال ۲۰۰۷ منتشر شده بود و ترجمه دیر هنگام آن به فارسی به خودی خود کمی عجیب است. «بازار و دولت در ایران» هم از منظر مواد خام و داده‌های تحقیق و احق در حوزه روش‌شناسی، اثری ویژه و مثال‌زدنی در مطالعات بازار در ایران محسوب می‌شود و تنوع روش‌ها در مطالعه موضوع، گستره



افسانه فردان

کتاب «بازار و دولت در ایران: سیاست‌های بازار تهران» نوشته آرنگ کشاورزان که انتشارات دنیای اقتصاد با ترجمه محسن محمودی آن را به تازگی منتشر کرده، بازار تهران را جهان کوچک متشکل از روابط میان دولت و جامعه تلقی می‌کند و این جهان را در هر دو نظام سلطنتی پهلوی و جمهوری اسلامی مورد مطالعه قرار داده است.

کشاورزان با تکیه بر مصاحبه با دست‌اندر کاران بازار، مشاهده توأم با مشارکت و نیز تحقیقات اسنادی و کتابخانه‌ای توانسته است نشان دهد در طول زمان بسیاری از کارکردهای بازار تغییر یافته و دیگر نمی‌توان بر مبنای فرضیات کهنه درباره بازار به سراغ آن رفت. از نظر او در حال حاضر، عملکرد بازاری‌ها کاملاً پادورهم‌های قبل متفاوت شده است. بر این اساس الگوهای مشارکت مذهبی تغییر کرده‌اند، و به

یادداشت

کتاب «تن‌بارگی در عصر صفویه» نما یانگر یک نکته است؛

فروپاشی و انحطاط درباریان صفویه

آبان مصدق

کتاب «تن‌بارگی در عصر صفویه» نوشته زهره روحی، کوشش کرده تا روابط جنسی در عصر صفویه را بررسی کند، البته صرف اجتماعی و تاریخی بودن خود موضوع، کافی است تا مطالعه و بررسی حاضر موجه و آن را به موضوعی مستقل تبدیل کند.

درواقع کتاب با اجتناب از درغلتیدن در روایت‌های هرزگی، برای بیرون کشیدن یک روایت تاریخی منطقی، بسا رویکردی پدیدارشناسانه نشان داده که سازوکارهای انباشت ثروت و لذت جنسی چگونه در دورانی از فروپاشی و انحطاط نظام سیاسی و اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده‌اند.

نویسنده در مقدمه کتاب شرح می‌دهد که از لحظه‌ای که عرصه لذت جنسی، کردار و رفتار جسمی در رابطه با آن، مورد توجه و «کنترل» قدرت‌های سیاسی (اعم از دینی و غیردینی) قرار گرفت و در صدد برآمدند تا در نوع رابطه یا گزینش‌های جنسی، نسخه‌هایی تجویز کنند، عرصه دخالت و سیاست‌گذاری‌های جنسی ظهور یافت و بدین ترتیب مسئله «جنسیت» و مناسبات اجتماعی آن، به‌منزله راهبردمدیریتی نظارت بر بدن جنسی افراد بر ساخته شد و به عنوان بخشی مهم از زیرمجموعه «استراتژی‌های

سیاسی» به حوزه «قدرت» انتقال یافت.

به گفته او این مسئله تا حوزه «تولید مثل» یا به اصطلاح زادوولد و «کنترل جمعیت» نیز کشیده شده است. به عبارت دیگر اساساً، رابطه جنسی و به‌طور کلی مسئله جنسیت، با توجه به اسناد و مدارک تاریخی، اکثر موارد جزء مسائل به اصطلاح پرتنش جوامع بوده است: عرصه‌ای ستیزنده که معمولاً دستخوش سرکوب و کشمکش شرایط اجتماعی خود بود، گاهی این نزاع و سرکوب علنی است، و گاهی چنان در معرض تطبیق‌پذیری با ضرورت‌های به اصطلاح «مدنی» یا مصالح جوامع (متمدن) قرار می‌گیرد که نفس سرکوب، به واسطه سازوکار اجتماعی، نهادینه می‌شود و در نهایت به امری انتخابی و داوطلبانه تبدیل می‌شود.

زهره روحی البته متذکر شده حتی در چنین مواردی نیز چیزی از عنصر واکنشی ستیزندگی امر سرکوب (جنسی) کاسته نمی‌شود، بلکه فقط ممکن است تغییر شکل دهد. اصولاً در خصوص این تغییر شکل‌ها و جایجایی‌ها که با سرکوب‌غرایز جنسی مرتبط است، چه در رد و چه در تأیید آن سخن بسیار است، خصوصاً وقتی پای ناکامی‌های ارتباطی (نه لزوماً جنسی)، یا سردرگمی‌های جنسیتی یا افسار گسیختگی‌های در جستجوی لذات جنسی عصر مدرن در میان است، اما چیزی که اهمیت دارد شرایط انضمامی موقعیت جنسی در بستر اجتماعی خود است.